

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 17 / آبان / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

والحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين الاطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

خيرمقدم عرض ميکنم به آقایان محترم، برادران عزيز، اعضای فعال مجلس مهمّ خبرگان. و تشکر ميکنم از اين بيانات مشروح و مبسوطی که آقای بوشهری، در بيان مجاری امور در مجلس خبرگان در اين اجلاس بيان کردند ؛ مطالب مهمّی را ايشان بيان کردند و نقل کردند از قول مجلس خبرگان. مسائل خیلی مهمّی را مطرح کردید ؛ کاش بتوانید اينها را دنبال کنید و مطالبه کنید، ان شاءالله کار انجام بگيرد.

مطلبی که بنده امروز آماده کرده‌ام که عرض بکنم خدمت آقایان، به طور خلاصه اين است که مجلس خبرگان به لحاظ مفهومی، به لحاظ آن عنوانی که در قانون اساسی و در نظام تعريف شده، یکی از انقلابی‌ترین نهادهای جمهوری اسلامی است. منظورم از «انقلابی‌ترین»، مرتبط‌ترین است با انقلاب اسلامی ؛ اين [مجلس] به اين معنا یکی از انقلابی‌ترین نهادهای انقلابی است. علت اين تعبير که ميگويم «انقلابی‌ترین است»، نقش اين مجلس است در گزينش رهبری ؛ اين خیلی کار مهمّی است، نقش منحصر به فردی است و بحمدالله مجلس خبرگان آماده است برای اين نقش و بايد آماده باشد. در اين زمینه، من چند جمله‌ای را عرض ميکنم.

در شاکله‌ی نظام اسلامی، در قواره‌ی کلی نظام اسلامی، جایگاه رهبری عمدتاً برای حفظ جهت‌گیری به سمت هدف انقلاب است ؛ اين عمده‌ی مسئوليت رهبری است. انقلاب برای یک هدفی به وجود آمده است. البته همه‌ی انقلابها اهدافی دارند، اهداف اساسی‌ای دارند که بر اساس آن هدفی که دارند، سامان زندگی را تغيير ميدهند، زيوررو ميکنند. هدف انقلاب اسلامی را اگر بخواهيم به طور خلاصه عرض بکنيم، عبارت است از محقق کردن «توحيد» در زندگی مردم در کشور. «توحيد» در جنبه‌ی معرفتی و مفهومی، یک امری است که به حسب مراتب فهم و معرفت افراد، قابل گسترش است ؛ اين مفهوم بايد در زندگی جامعه محقق بشود ؛ [يعنی] توحيد تحقق پيدا کند در جامعه ؛ چون توحيد همه‌ی دين است. اصل دين و همه‌ی دين عبارت است از توحيد. اين هدف انقلاب اسلامی است که حالا جای بحث و حرف و توضيح و تبیین دارد که مجالش اينجا نيست.

برای اينکه جامعه‌ی اسلامی به اين هدف نزديک بشود و یک جامعه‌ی توحيدی به وجود بيايد، تلاشهائی لازم است و موانعی وجود دارد. هميشه در راه حرکت به سمت اين هدف موانعی پيش می‌آيد، انگيزه‌هایی وجود دارد برای جلوگیری از اين حرکت ؛ انگيزه وجود دارد. اين انگيزه‌ها متوجه اين است که نگذارند انقلاب و نظام به سمت هدف خودش حرکت کند و پيش برود و توفيق پيدا کند ؛ [ميخواهند] آن را متوقف کنند بلکه به عقب برگردانند ؛ حالا ولو به عقب برگرداندن و آن وضع ارتجاعی قبل را نشان دادن، در لباس نوپی باشد، در لباس جديدی باشد اما همان باشد ؛ انگيزه‌هایی برای اين وجود دارد. در انقلابهای ديگر اين انگيزه‌ها را مشاهده کرديم و موفق شدند، توانستند مانع بشوند که اين انقلابها به اهداف خودشان برسد ؛ برگردانند مسیر انقلابها را. حالا مثلاً در انقلاب کبير فرانسه - که جزو بزرگ‌ترين انقلابهای نزديک دوران ما است - هنوز پانزده سال از شروع انقلاب نگذشته بود که همان وضع قبلی، يعنی حکومت سلطنتی مستبدانه و ديکتاتوری دومرتبه در کشور برقرار شد و همان شد. اين همه حرکت مردم، حرکت متفکرين معروف فرانسوی، تلاشها و مجاهدتهای مردمی، تلفات، کشتارها، زدوخوردها، همه‌ی اينها در واقع

هیچ شد، نابود شد در ظرف کمتر از پانزده سال! عین این قضیه به شکل بدتری در انقلاب شوروی پیش آمد که آن هم یک انقلاب بزرگی است؛ انقلاب کبیر شوروی. آنجا هم همین جور؛ آنجا هم کمتر از ده سال طول کشید که آن ادعاها و آن حرفها و آن عدالتی که ادعا میکردند و آن به اصطلاح مردم سالاری ویژه‌ی کمونیستی که از آن اسم میبردند، همه از بین رفت. یک دیکتاتور، یک قلدر گردن کلفتی مثل استالین آمد سر کار و قضایا تمام شد. یعنی این یک خطری است برای همه‌ی انقلابها.

در قرآن کریم به این نکته توجه شده است و تذکر داده شده، آن هم نه یک بار و دو بار، شاید ده‌ها بار. در آیات کریمه‌ی قرآن مکرر درباره‌ی رجوع به عقب و برگشتن به آن وضعی که از آن خلاص شدند و نجات پیدا کردند، صحبت شده؛ هم نسبت به مؤمنین و هم خطاب به خود کفار. در یک مواردی تذکر داده میشود به کفار که شماها دارید همان روش گذشته را دنبال میکنید. این آیه‌ی شریفه که در سوره‌ی توبه است: *فَاسْتَمِثْعُمْ بِخُلُقِكُمْ كَمَا اسْتَمِثَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخُلُقِهِمْ وَخَضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا*؛ (۲) این یعنی تکرار و انجام همان کارهایی را که در گذشته انجام میگرفته، به رخ آنها میکشند؛ میگویند شما دارید همان وضع قبل را دنبال میکنید. یا در این آیه‌ی شریفه که سوره‌ی ابراهیم است: *وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ*، (۳) بعد میرسد به اینجا که «و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الامثال»؛ (۴) در آیات متعدد قرآنی در خطاب به مؤمنین هم این تهدید و هشدار وجود دارد، که من اینجا دو سه آیه را یادداشت کرده‌ام: *يا ايُّها الذین آمنوا ان تطيعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین*؛ (۵) این در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران [است]؛ اگر غفلت کردید، اگر اطاعت از آنها کردید، «رده» پیش می‌آید، عقبگرد پیش می‌آید، ارتجاع پیش می‌آید؛ قرآن هشدار میدهد. *يا ايُّها الذین آمنوا ان تطيعوا فریقاً من الذین اوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین*؛ (۶) این هم باز در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران است. در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره [میفرماید]: *و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا*. (۷) یا این آیه‌ی شریفه‌ی دیگر که باز این هم در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره است: *و کثیر من اهل الکتاب لو یردوکم من بعد ایمانکم کفارا*؛ (۸) یعنی مسئله‌ی عقبگرد و توقف و بازگشت به عقب مسئله‌ی کوچکی نیست، مسئله‌ی بسیار مهمی است و قرآن به این مسئله پرداخته؛ ما در واقعیت دنیای تاریخ نزدیک به خودمان هم مواردی را می‌بینیم؛ در گذشته هم این را دیده‌ایم.

خب، یک عاملی لازم است برای اینکه جلوی این [عقبگرد] را بگیرد؛ در نظام اسلامی این عامل «جایگاه رهبری» است؛ بایستی جلوی این انحراف به وسیله‌ی رهبری گرفته بشود؛ این خیلی اهمیّت دارد؛ خیلی اهمیّت دارد! بنابراین اهمیّت مجلس خبرگان به خاطر این است که متصدی تعیین مأمور برای این مأموریت بسیار مهم است؛ [یعنی] متصدی تعیین رهبری است؛ اهمیّت این مجلس به خاطر این است. لذا عرض کردیم [مجلس خبرگان] جزو انقلابی‌ترین‌ها است؛ حالا از لحاظ مفهومی جایگاهش این است؛ از لحاظ مصداقی البته ممکن است جورواجور پیش بیاید؛ گاهی به این کار عمل بشود، گاهی نشود. کما اینکه در مورد رهبری ممکن است گاهی بتواند، گاهی نتواند. البته در مورد رهبری «نخواستن» متصور نیست؛ مسئله‌ی توانستن و نتوانستن است.

یک نکته‌ی مهم دیگری در این مسئله‌ی مسئولیت مجلس خبرگان وجود دارد، و آن عبارت است از اینکه وضع مجلس خبرگان و جعل مجلس خبرگان، معنایش این است که حرکت نظام اسلامی توقف ندارد؛ یعنی در او وقفه حاصل نمیشود، به وجود نمی‌آید؛ مجلس خبرگانی وجود دارد که نفر بعد او را مشخص کند؛ یعنی این تسلسل همچنان با قوّت، با قدرت، با توانایی کامل وجود خواهد داشت؛ این آمادگی مجلس خبرگان، حضور مجلس خبرگان، یک چنین معنا و مفهومی دارد. اگر این شخصی که وجود دارد نبود، بی‌درنگ مجلس خبرگان اقدام میکند و نفر بعد را مشخص میکند؛ این [جور] است.

خب یک معنای حاشیه‌ای هم در اینجا وجود دارد که آن هم بسیار مهم است و آن، این است که این جابه‌جایی‌ها نشان می‌دهد که نظام اسلامی و انقلاب اسلامی وابسته‌ی به شخص نیست؛ اشخاص نقش دارند، مأموریت‌هایی دارند که باید انجام بدهند، نقش‌های مهمی دارند که بایستی ایفا کنند آن نقش‌ها را، لکن نظام به آنها وابسته نیست و میتواند به راه خودش ادامه بدهد، ولو آن شخص معین در میان آنها نباشد. این را خدای متعال نسبت به پیغمبر اعظم، به مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شخصیت عالم وجود بیان کرده: **اِنَّ مَاتَ اَوْ قَتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ؟** (۹) تصوّرش را بکنید، این آیه‌ی شریفه مربوط به جنگ احد است، یعنی سال سوّم هجرت. خدای متعال این آیه‌ی کریمه را نازل میکند، یعنی هشدار میدهد به مردم؛ زبان این آیه، زبان ملامت است، زبان مؤاخذه است که شما که از شایعه‌ی مثلاً قتل پیغمبر آشفته شدید و بعضی از اظهارات را [بیان] کردید، اگر چنانچه پیغمبر نبود، **انْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ؟** یعنی این مؤاخذه‌ی قرآنی است. حالا شما فرض کنید در سال سوّم پیغمبر نباشد؛ هنوز نظام اسلامی‌ای که قوامی هم به خودش نگرفته، توانایی‌های لازم را هم هنوز پیدا نکرده، پیغمبر هم از میان اینها برداشته بشود؛ در یک چنین شرایطی، خدای متعال قبول نمیکند که مردم برگردند؛ **انْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ؟** این اهمّیت مسئله‌ی برگشت و متوقف به شخص نبودن است.

خب، اینها وظایف مهمی است که مجلس خبرگان دارد؛ یعنی اهمّیت جایگاه مجلس خبرگان از آنچه فی‌الجمله عرض کردیم معلوم میشود؛ طبعاً این اهمّیت، وظیفه‌ی بزرگی را هم بر دوش مجلس خبرگان میگذارد و آن، این است که مجلس خبرگان بایستی در گزینش خودش، نهایت دقت و توجه را به کار ببرد؛ نهایت دقت و توجه باید به کار برود. در قانون اساسی شرایطی برای رهبری ذکر شده که خب معلوم است؛ یکی از مهم‌ترین این شرایط عبارت است از اعتقاد قلبی راسخ به مسیر انقلاب و هدف انقلاب؛ این اعتقاد باید وجود داشته باشد. آمادگی برای حرکت مستمرّ بدون خستگی بی‌وقفه‌ی در این راه باید در کسی باشد تا شایسته‌ی این مسئولیت باشد؛ باید اینها را در افراد تشخیص داد، و انتخاب کرد. این، آن جمله‌ای بود که راجع به مجلس خبرگان خواستم عرض کنم.

این روزها مصادف است با اربعین شهادت مجاهد بزرگ زمان ما - حقاً و انصافاً، مجاهد بزرگ و خستگی‌ناپذیر زمان ما - مرحوم آقای آسیدحسن نصرالله (رضوان الله علیه و رفع الله قدره و اعظم الله اجره)؛ مصادف با چهلّم ایشان است. ما یاد ایشان را گرامی میداریم؛ یاد شهید هنیّه، شهید صفی‌الدین، شهید یحیی السّنّوار، شهید نیلفروشان و دیگر شهدای مقاومت را گرامی میداریم. من در اوّل عرایض میخواستم عرض بکنم، حالا عرض میکنم؛ یاد شهدای این مجلس، شهید رئیسی (رضوان الله علیه) و شهید آل‌هاشم (رضوان الله علیه) را هم گرامی میداریم و درجات عالیّه‌ی الهی را برای همه‌ی این شهدای بزرگوار مسئلت میکنیم.

این بزرگوارانی که اسم بردم، مرحوم آقای نصرالله و دیگر این شهدای عزیز این روزها، اینها حقاً و انصافاً به اسلام عزّت دادند، به جبهه‌ی مقاومت هم عزّت دادند و توانایی و قدرت مضاعف دادند؛ همه‌ی اینها؛ اینهایی که اسم بردیم، هر کدام به حدّی و به شکلی. سیّد عزیز ما خب به مقامات عالیّه‌ی شهدا عروج کرد و او خود به آنچه آرزوی آن را داشت رسید، لکن یک یادگار ماندگاری هم در اینجا گذاشت و آن «حزب الله» است. «حزب الله» به برکت شجاعت سیّد و درایت سیّد و صبر و توکل عجیبی که او داشت، رشد کرد؛ رشد فوق‌العاده‌ای کرد و حقیقتاً تبدیل شد به یک تشکیلاتی که دشمن مجهّز مسلّح به انواع سلاحهای مادی و بیانی و تبلیغی و رسانه‌ای و غیره، نتوانسته بر آن فائق بیاید و ان شاء الله نخواهد توانست فائق بیاید. مرحوم آقای سیدحسن نصرالله «حزب الله» را به یک چنین موجودی، به یک چنین پدیده‌ای تبدیل کرده.

حالا البته شرکت واضح و علنی آمریکا معلوم است؛ حقیقتاً دستهای دولت آمریکا خون‌آلود است. با جنایاتی که در غزه و در لبنان انجام گرفت، آمریکا شریک واضحی است که همه امروز دیگر میدانند؛ قبلاً به صورت تحلیل گفته

میشد، حالا دیگر همه مشاهده میکنند؛ همچنین بعضی از کشورهای اروپایی. آنچه بنده تأکید میکنم، این است که این مجاهدتها که امروز بحمدالله با قوت و قدرت تداوم دارد – هم در لبنان، هم در غزه و فلسطین – قطعاً به دنبال خود پیروزی حق را، پیروزی جبهه‌ی حق را، پیروزی جبهه‌ی مقاومت را به دنبال خواهد داشت؛ این، آن چیزی است که ما [به آن] امیدواریم و بر حسب آنچه حالا انسان میفهمد از مجموع حوادث و همچنین از وعده‌ی الهی احساس میکند، این نتیجه، نتیجه‌ای است که قطعی به نظر میرسد.

اولاً به دلیل وعده‌ی الهی. مصداق کامل این آیه‌ی شریفه، همین حوادث این روزها است: اٰذِنَ لِلَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ بَاِثْمِهِمْ ظَلَمُوْا وَّ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ * الَّذِيْنَ اٰخْرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنْ يَقُوْلُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ وَّلَوْ لَا دَفَعُ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَّ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيْهَا اسْمُ اللّٰهِ كَثِيْرًا؛ کلیسا را میزنند، بیمارستان را میزنند، مسجد را میزنند؛ یعنی واقعاً مصداق کامل [این آیه]. این «دفع الناس بعضهم ببعض» وجود دارد که نتیجه‌اش چیست؟ دنباله‌ی آیه این است؛ نتیجه‌اش این است: وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيْزٌ؛ (۱۰) با این تأکیدی که در این عبارت وجود دارد. این «دفع بعضی از مردم به وسیله‌ی بعضی دیگر» یعنی دفع ظالم به وسیله‌ی مظلوم، دفع غاصب و متجاوز به وسیله‌ی مجاهدت مجاهدین فی سبیل الله، نتیجه‌اش این است: وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ. خب این وعده‌ی الهی است؛ یعنی فرمایش الهی است و تردید در این جایز نیست. تردید در وعده‌ی الهی جایز نیست. این وعده‌ای است که خدای متعال فرموده است. تا حالا هم همین جور اتفاق افتاده.

این، از یک طرف، آیات قرآنی و وعده‌ی الهی است، از یک طرف، تجربه‌ی ما است. حزب الله در طول این سالهای متمادی، در این حدود مثلاً نزدیک به چهل سال، سی و چند سال، یک بار رژیم صهیونیستی را از بیروت وادار به عقب‌نشینی کرد، یک بار از صیدا وادار به عقب‌نشینی کرد، یک بار از شهر صور وادار به عقب‌نشینی کرد، یک بار هم بکلی جنوب لبنان را و شهرها و روستاها و بلندی‌های لبنان را از وجود نحس رژیم صهیونیستی تخلیه کرده؛ یعنی این توانایی حزب الله بمرور همین‌طور دائم افزایش پیدا کرده. از یک جمع کوچک مجاهد فی سبیل الله تبدیل شده‌اند به یک تشکیلات عظیمی که یک چنین قدرتی دارد، یک چنین توانایی‌ای دارد که میتواند در نوبتهای مختلف این دشمنی را که مسلح به سلاح نظامی، سلاح تبلیغاتی، سلاح سیاسی، سلاح اقتصادی است، مستظهر به ورود فساد و فجار بزرگ دنیا، مثل همین رؤسای جمهور آمریکا و امثال اینها است، به عقب‌نشینی وادار کند و آن را شکست بدهد. این تجربه‌ی ما است که [آن را] دیده‌ایم. عین همین تجربه در مورد مقاومت فلسطین اتفاق افتاده. آنها هم از سال ۱۳۸۸ تا امروز نه بار با رژیم صهیونیستی درگیری داشتند که در همه‌ی این نه بار اینها غلبه پیدا کردند.

امروز هم مقاومت فلسطین بر رژیم صهیونیستی غلبه پیدا کرده؛ برخلاف آنچه در ظاهر امر، انسان سطحی مشاهده میکند. برای خاطر اینکه او مقصودش این بود که حماس را ریشه‌کن کند، نتوانسته بکند. این همه انسان را قتل عام کرده، چهره‌ی زشت خودش را به همه‌ی دنیا نشان داده، خباثت خودش را به همه ثابت کرده، خودش را محکوم کرده، خودش را منزوی کرده، رهبران مقاومت را، رهبران حماس را به شهادت رسانده، به خیال اینکه حماس تمام شد، در عین حال حماس دارد همچنان میجنگد، همچنان دارد مبارزه میکند؛ معنای این، شکست رژیم صهیونیستی است. همین‌طور حزب الله؛ حزب الله هم همین جور است: قوی است. حالا یک عده‌ای در خود لبنان و جاهای دیگر، به گمان اینکه حزب الله ضعیف شده، زبان به قدح (۱۱) کارهای حزب الله باز کرده‌اند؛ اشتباه میکنند، اینها دچار توهّمند. حزب الله قوی است و دارد مبارزه میکند. بله، شخصیت برجسته و مهمی مثل جناب سیدحسن نصرالله یا جناب سیدهاشم صفی‌الدین و امثال اینها در بین آنها نیستند اما [این] تشکیلات با مردان خودش، با قدرت معنوی خودش، با روحیه‌ی خودش بحمدالله حضور دارد و دشمن نتوانسته بر این تشکیلات فائق بیاید، و ان شاء الله نخواهد توانست، و ان شاء الله دنیا و منطقه روزی را خواهد دید که به طور واضح رژیم صهیونیستی از دست این

مجاهدین فی سبیل الله شکست بخورد. امیدواریم ان شاء الله همه‌ی شما آقایان محترم این روز را مشاهده کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) در ابتدای این دیدار – که در پایان دومین اجلاس هیئت دورهی ششم مجلس خبرگان رهبری برگزار شد – آیت الله محمدعلی موحدی کرمانی (رئیس مجلس خبرگان رهبری) و حجت الاسلام والمسلمین سیدهاشم حسینی بوشهری (نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری) مطالبی بیان کردند.

(۲) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۹؛ «... و شما [هم] از نصیب خود برخوردار شدید همان گونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش برخوردار شدند؛ و شما [در باطل] فرورفتید همان گونه که آنان فرورفتند...»

(۳) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۴۴؛ «و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می‌آید بترسان...»

(۴) سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴۵؛ «و در سراهای کسانی که بر خود ستم روا داشتند سکونت گزیدید و برای شما آشکار گردید که با آنان چگونه معامله کردیم و مثلها برای شما زدیم.»

(۵) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۴۹؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید، شما را از عقیده‌تان بازمیگردانند و زیانکار خواهید گشت.»

(۶) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۰؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از فرقه‌ای از اهل کتاب فرمان برید، شما را پس از ایمانتان، به حال کفر برمیگردانند.»

(۷) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۱۷؛ «... و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند، شما را از دینتان برگردانند...»

(۸) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۰۹؛ «بسیاری از اهل کتاب آرزو میکردند که شما را بعد از ایمانتان کافر گردانند...»

(۹) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۴؛ «... آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده‌ی خود برمیگردید؟...»

(۱۰) سوره‌ی حج، آیات ۳۹ و ۴۰؛ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت توانا است. همان کسانی که بناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه میگفتند: «پروردگار ما خدا است» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمیکرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده میشود، سخت ویران میشد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.»

(۱۱) بدگویی کردن، سرزنش کردن